



تاریخ انتشار: دوشنبه 25 آذر 1392 21:0



خوشامدگویی جهان به ایران هسته ای آیا روحانی گورباچف ایران است؟

مدافعان سیاست‌های امریکا می‌گویند که هدف از توافق ژنو با ایران باین آوردن فتنه تنش‌ها در جهان است. چرا که امریکا می‌خواهد سیاستی جدید را در دنیا دنبال کند که در آن فعلا گزینه جنگ جایی ندارد.

دیپلماسی ایرانی: روزنامه **دیلی تلگراف**، چاپ لندن در یادداشتی با عنوان "جایی برای دوستان قدیمی واشنگتن در نظام جدید جهانی کاخ سفید اواما نیست" نوشت: از زمانی که باراک اواما، رئیس جمهوری امریکا قدم به کاخ سفید گذاشت، تصمیم گرفت سیاست خارجی امریکا را کاملا تغییر دهد و طرحی نو در اندازد. او قصد دارد از سیاست های قدیم امریکا فاصله بگیرد و سیاستی جدید را در پیش بگیرد، سیاستی که در آن جایی برای دوستان و متحدان قدیم و سنتی امریکا نیست.

این روزنامه در ابتدا به مصر اشاره می کند و می نویسد: حسنی مبارک، رئیس جمهوری اسبق مصر همه تخم مرغ های خود را در سبد امریکا گذاشت، با این تصور که در هر حالتی امریکا از او حمایت خواهد کرد و به هیچ وجه نمی تواند پشت او را خالی کند. مبارک تصور می کرد که به دلایل بسیار از جمله بر سر اسرائیل امریکا به او نیاز دارد، بنابراین مجبور است در هر حالتی و به هر قیمتی او را نگه دارد. اما هنگامی که انقلاب مصر آغاز شد و خیابان های قاهره و شهرهای دیگر این کشور مملو از معترضان شد که تنها خواستار کناره گیری او از قدرت بودند و به چیزی جز رفتن مبارک فکر نمی کردند و حتی به صرف کنار زدن او همه اختلافات با یکدیگر را کنار گذاشتند و متحد شدند، دریافت که چاره ای ندارد. امریکا در چنین وضعیتی دیگر نمی توانست به او کمک کند. مبارک دیر فهمید که حمایت امریکا برای او کارساز نیست. سپس یکی پس از دیگری نوبت به دیگر کشورهای عربی خاورمیانه از جمله عربستان سعودی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و به دنبال آن اسرائیل رسید. تا آن جا که حتی از نفوذ بریتانیا در سیاست خارجی امریکا نیز به شدت کاسته شد و روابط دوستانه و نزدیک دو کشور که در گذشته بسیار به هم نزدیک بودند، دیگر آن رابطه صمیمی و نزدیک میان دو طرف نیست. در مقابل کشورهای آسیایی صاحب جایگاه ویژه ای شده اند. رشد اقتصادی شگفت آور چین امریکایی ها را نگران کرده است. کشوری که می رود تا کشورهای آفریقایی را بخرد و به منظومه خود تبدیل کند. امریکا احساس می کند در رقابت با چین عقب افتاده است و باید برای پیشی گرفتن از او مشکلات قدیم را حل کند و معادله ای جدید رقم بزند.

دیلی تلگراف در ادامه می نویسد: در این میان برخی کشورها و حکومت ها هستند که ستاره اقبال آنها بالا رفته است و در نظام جدید جهانی صاحب جایگاهی ویژه خواهند شد و ایالات متحده نیز به فکر همراه کردن آنها با خود افتاده است. از جمله کوبا که در مراسم تشیع جنازه نلسون ماندلا، رهبر ملی آفریقا باراک اواما، رئیس جمهوری امریکا با

رئیس جمهوری آن، رائل کاسترو دست داد تا نشان دهد سیاست امریکا در برابر کوبا تغییر کرده است و دیگر به آن همانند سابق به چشم دشمن نمی نگرد.

این روزنامه در ادامه به سوریه اشاره می کند و می نویسد: سوریه نیز از جمله کشورهایی است که پس از سه سال مقاومت در برابر مخالفانش و ایستادگی در برابر تحمیل تغییر از خارج، از وضعیت جدید نهایت استفاده را می برد و می رود تا آن کشور نیز سهمی از نظم جدید جهانی داشته باشد.

دیلی تلگراف سپس به ایران اشاره می کند و می نویسد: **کاخ سفید به ریاست اوباما به حسن روحانی، رئیس جمهوری جدید ایران به چشم "گورباچف ایران" می نگرد.** شاید بتوان گفت توافق اخیر هسته ای میان 5+1 با ایران که شامل پنج کشور عضو شورای امنیت به علاوه آلمان می شود نیز در همین راستا قابل تفسیر است. در این توافق کشورهای غربی مانع هسته ای شدن ایران نشدند و به آن کشور اجازه دادند تا ضمن ادامه دادن به برنامه های هسته ای اش حق غنی سازی اورانیوم در خاک خود را نیز داشته باشد. مساله ای که در حقیقت به معنای به رسمیت شناختن ایران به عنوان کشور هسته ای و خوشامدگویی به آن در جمع کشورهای برخوردار از تکنولوژی هسته ای محسوب می شود و سبب می گردد تا ایران در کنار قدرت های بزرگ برخوردار از این تکنولوژی بایستد. همه این توافقات در سایه نگاه مثبت امریکا به دولت جدید ایران حاصل شده است. مدافعان سیاست های امریکا می گویند که هدف از این کار پایین آوردن فتیله تنش ها در جهان است. **چرا که امریکا می خواهد سیاستی جدید را در دنیا دنبال کند که در آن فعلا گزینه جنگ جایی ندارد.**

تجزیه دبلوماسی ایرانی/11

نظرات کاربران

ابراهیم عماد

چهارشنبه 27 آذر 1392 18:39

در نوشتار فوق دو نکته مهم و قابل توجه بنظر میرسد :

1- مقایسه آقای دکتر روحانی با آقای گورباچف یک قیاس مع الفارق هست، چون نه در ایدئولوژی، نه در عملکرد و نه طی دوران فعالیت های سیاسی اجتماعی شان نقاط تشابه نداشته و ندارند. لذا آنرا قلم فرسائی بیش نمیتوان تصور نمود.

2- جمله «چرا که امریکا می‌خواهد سیاستی جدید را در دنیا دنبال کند که در آن فعلا گزینه جنگ جایی ندارد.» جای تامل و سوال دارد !!!؟؟؟ امریکا بعد از علنی شدن «بحران بدهی‌ها» در سال 2008 و شکست سیاست‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی (le Programme d'Adjustement Structurel > PAS) از 1987 تا 2008 و ادامه بیمارگونه آن تا کنون، که مبتنی بر سیستم اقتصادی مجازی «ایجاد پول بدون پشتوانه و بیشتر از ذخایر موجود در بانک مرکزی‌ها، توسط بانکها و گروه‌های مالی بین‌المللی» و «ایجاد بدهی در سطح بین‌المللی»، بعنوان یکی از بدهکارترین کشورهای دنیا مطرح شده و برای خروج از «بحران بدهی‌ها» چاره‌ای جز، دست‌پا‌ئین گرفتن را در فعالیتهای و روابط بین‌المللی خود نداشته و ندارد. دوران فعلی که بعنوان «[نسل ارتباطات و انتقال اطلاعات جهانی](#)» شناخته شده، دیگر، کشورهای نظیر آمریکا توان پیش‌بردن «دیپلماسی سیاسی اقتصادی» دست‌پرورده **سیستم اقتصادی مجازی فعلی حاکم بر جهان**، را **نداشته و نخواهد داشت**.

زمان آن فرا رسیده، که با تکیه بر **اصول حاکمیت حق** (حقوق اشخاص، نه فقط افراد) و **حقوق ملت‌ها**، و کاربردی نمودن آنها از طریق «**دیپلماسی حقوقی اقتصادی در سطح بین‌المللی**» بجای «دیپلماسی سیاسی اقتصادی فعلی» در فعالیتهای **توسعه‌ای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و اداری اجرایی پایدار**، برای ایجاد روابط حسنه در سطح بین‌الملل بین ملت‌ها و احترام به حقوق آنها و قوای ناشی از آن «**نگرشی نو به فرایند توسعه پایدار در سطح بین‌الملل**» (نه بین‌المللی) داشت.

باشد که از این طریق، در آینده نه‌چندان دور، شاهد جولان مسئولین کشورهای نظیر آمریکا در سطح بین‌الملل نخواهیم بود.

.....

[بازگشت به سایت علمی کاربردی و آموزشی](#) «**توسعه حقوقی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و اداری اجرایی**

پایدار»